

به نام خدا

متن سخنرانی آقای یوناتن بت کلیا نماینده محترم مجلس شورای اسلامی در میزگرد ویژه

پیرامون استقرار صلح پس از مناقشات

یکصد و بیست و هفتمین اجلاس مجمع بین المجالس

کبک - کانادا (۳۰ مهر لغایت ۵ آبان ۹۱)

باعث خرسندی فراوان است که برخی از نقطه نظرات خود را در مورد موضوع استقرار صلح پس از مناقشات با همکارانم در میان می گذارم.

۱- بسیاری از مناقشات در جهان امروز ریشه در فقر، تبعیض و به حاشیه رانده شدن، مداخلات خارجی، تهاجم نظامی و اشغال کشورها دارد. متأسفانه در بسیاری از نمونه های موجود در جامعه بین الملل امروز به ویژه ملل متحد، در پرداختن به اصل استقرار و حفظ صلح و امنیت بین الملل، توجه به این ریشه ها و علت ها مغفول مانده است. واقعیت تامل برانگیز در اینجا تاثیرگذاری اعمال شده از سوی برخی اعضای شورای امنیت سازمان ملل است که در هنگام اتخاذ تصمیم توسط این شورا شاهد آن بوده ایم. این تاثیرگذاری اگر نگوئیم که باعث تشدید مناقشات نشده است دست کم به طولانی تر شدن آنها انجامیده به نحوی که آثار مخرب آن بر صلح و امنیت همواره به صورت مانعی بر سر راه ارتقاء توسعه پایدار و رفاه اقتصادی در جهان خود را نشان داده است.

۲- مایلم تاکید کنم که تلاشها و اقدامات سازمان ملل در این زمینه باید از همان ابتدا با ضرورت اعمال حمایت سیاسی و تامین کامل و ایده آل منابع انسانی، مالی و پشتیبانی و مطالبات تعریف شده و دست یافتنی توأم گردد. ما باور عمیق داریم که استفاده از زور نباید جایگزینی برای آن تلاش هایی باشد که در پرداختن به ریشه های مناقشات صورت می گیرد بلکه این تلاشها باید به نحوی منسجم، طراحی شده، هماهنگ و جامع، در کالبد اجتماعی، اقتصادی و توسعه ای کشورها جریان داشته باشد.

۳- جمهوری اسلامی ایران بر اهمیت پیشگیری از بروز مناقشات در کشورها و مناطق مختلف جهانی تاکید دارد و معتقد است که برای استقرار صلح نباید به سوی گزینه نظامی و استفاده از نیرو رفت. کاربرد نیروی نظامی و زور باید بسیار محدود و منطبق با منشور ملل متحد و حقوق بین الملل بوده و در خدمت منفعت مردم آن مناطق قرار گیرد.

۴- از همان ابتدای آغاز جنگ بین ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ آشوریان ساکن در خاورمیانه، هدف حملات تروریستی، بمباران کلیساها، قتل عام، کوچ اجباری، تبعیض، نسل کشی فرهنگی، تاراج گنجینه های باستانی و دیگر اشکال نقض حقوق بشر قرار گرفتند.

سیاست های رژیم صدام حسین دیکتاتور سابق عراق، در سرزمین آباء و اجدادی آشوریان در این کشور، موجبات سرکوب هویت واقعی آنها و همچنین وادار ساختن آشوریها به فرار از سرزمین اصلی شان که به طور ازلی در آن زندگی می کردند را فراهم آورد. در نتیجه شمار زیادی از خانواده های آشوری از این حملات فجیع فرار کردند و زمین و خانه و جوامع خود و از همه مهمتر سرزمین های آباء و اجدادی خود را رها کردند و گریختند. در نتیجه دو جنگ حادث شده در عراق طی سالهای ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳، بیش از نیمی از جمعیت باقیمانده آشوری در این کشور به کشورهای همه جوار پناه بردند یا در داخل کشور بی خانمان شدند و حقوق اقتصادی، سیاسی و حقوق بشر آشوری ها در عراق در نتیجه این سیاست ها به طور کامل از آنها سلب شد.

اکنون ما شاهد تکرار این سناریو در سوریه هستیم جایی که آشوریها در آن بین ۱۲ تا ۱۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند. در حالی که ناآرامی در این کشور که زمانی آرام بود ادامه پیدا می کند گروه های شبه نظامی بنیادگرا جوامع ما را هدف قرار می دهند و مردم ما را به زور از سرزمین هایشان بیرون می رانند. و دولتهای به اصطلاح دموکراتیک سازمانهای حقوق بشری و سازمان ملل، ترجیح داده اند ساکت باشند و چشمان خود را بر این تراژدی انسانی که برای یک گروه شاخص حادث شده است ببندند. در همین حال روستاهای آشوری و شهرهایی که زمانی نهاد جوامع پویا و فعال در خاورمیانه بودند خالی از ساکنان قانونی خود شده است و مردمی که از قدیم الایام در این سرزمین ها زندگی می کرده اند در جلوی چشمان جامعه بین الملل که ادعای حمایت از حقوق بشر دارد از سرزمین های خود رانده شده اند.

۵- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک فصل کامل از خود را به حقوق مردم و شهروندان اختصاص داده است. قانون اساسی برابری تمام شهروندان در مقابل قانون را تضمین کرده است. تا آنجا که در اصل ۱۹ تصریح می کند که تمام ایرانیها اعم از هر گروه قومی و قبیله ای فارغ از رنگ و نژاد و زبان و غیره از حقوق یکسان برخوردار است و بین آنها امتیاز خاص و تبعیضی نیست و ماده ۲۰ قانون اساسی هم صراحتاً اشعار دارد که تمام شهروندان ایران اعم از مرد و زن، به طور یکسان از حمایت قانون برخوردارند و مطابق با معیارهای اسلامی از تمام حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند.

با تشکر